



مقاله



مهدی شریعتی  
بخش نخست

## پروتستانتیسیم اسلامی و ایدئولوژی در ساختار فکری دکتر شریعتی

### مذهب «افیون توده‌ها» و «آه مستضعفین» یا ایدئولوژی رهایی بخش؟

اقتصادی-سیاسی است. هر چند که متدلوژی مورد استفاده در اعتراض به یک مذهب می‌تواند برای دیگر مذاهب مفید باشد، هدف و مقصد و پیامدهای آن می‌تواند مشابه باشد. به عبارت دیگر اگر بتوان به عنوان مدل در مقابله با آنچه باید با آن مقابله شود در قالب‌های دیگر استفاده شود، پیامدها و نتایج به ندرت می‌تواند شبیه باشند. شیوه نقدی که در آن متد علمی جا افتاده و مورد اعتماد استفاده می‌شود از طریق ارزش‌ها، منافع طبقاتی و مواضع ایدئولوژیکی و عقیدتی هدف و جهت مشخص می‌شود. این که علم بتواند مستقل از ارزش‌ها جهت را مشخص کند و کور کورانه به دنبال علت و معلول برود یک قانتری است، ولی اگر به حیثیت عالم و محقق پناه برده و از طریق عمق اخلاق و بسط استقلال فکری و عدم وابستگی طبقاتی، نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی شرایط برای تفسیر عالمانه و نقد متعهد و بررسی همه‌جانبه و یا در نظر گرفتن زمینه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را شاید بتوانیم فراهم کنیم. آنچه که یوزیشو یسسم را بی‌قید و بند و بی‌طرف می‌نماید نوع پرشش و طبیعت پرشش کردن است، در قالب این باور که واقعیت همان است که هست و آنچه هرمنوتیک و رتالیسم انتقادی را قوت می‌بخشد نه طرقداری از وضع موجود، بلکه در مقابله با آن و در دفاع از گستاخی اندیشه است و گستاخی اندیشه در ادوار مختلف هم علت و هم معلول تغییرات اساسی بوده و یوزیه در ادوار و اواسط قرن پانزدهم تا اوایل قرن هجدهم سه جنبش بزرگ که در مجموع می‌توان گفت قرون وسطی و از عصر روشنگری جدا می‌کند: اوآنیم، پروتستانتیسیم و راسیونالیسم و همه کنجکاوی‌ها و جنبش‌ها و اعتقادات کوچک و بزرگ دیگر به شیوه‌ای به این سه جنبش وابسته بود و یا به شیوه‌های متأثر از این سه

آن داده‌اند. در نتیجه بیشتر آنها که حقوق و جامعه خود را در خطر می‌دیدند، با اعتراض به مذهب نهادینه شده تلاش کردند تا با اتخاذ بنش جدیدی و در قالب مذهب نهادینه و رسمی، مذهبشان را از چنگ افراد و نهادها نجات دهند. و یا این که منافع خود را بسط دهند. تاریخ جهان نمونه‌های زیادی را نشان می‌دهد که اقوام و ملیت‌ها و مذاهب چگونه از تجربیات همدیگر بهره‌مند شده و به همین روش تاریخ علم و دانش نشان می‌دهد که علم و دانش آباشته‌هایی هستند. از خلاقیت انسان در ادوار و در جوامع مختلف و در فرهنگ‌های متفاوت. آنچه در تخصص علمی و در راه به دست آوردن دانش نقش اساسی را ایفا می‌کنند و به تفحص و جست‌وجو جهت می‌دهد فرهنگ و ارزش‌های نهفته در فرهنگ‌هاست و یوزیه در علوم اجتماعی باستانی ارزش‌ها تعیین‌کننده اولین پرشش‌ها در تفحص و جست‌وجو هستند. هر چند که در علوم فیزیکی، طبیعی و... آن ارزش‌ها می‌توانند در تفسیر نتایج تحقیقات تا آنجا که مربوط به منافع اجتماعی-اقتصادی افراد می‌شود نقش مهمی داشته باشند. برای نمونه در تحقیقات مربوط به آلودگی محیط، مصرف دارو، فقر و نوع کشی بیکاری، خشونت و دیگر مشکلات اجتماعی، ارزش‌ها نقش مهمی را در بیان نتایج تحقیقات علمی داشته و دارند و بانی تحقیقات تصمیم می‌گیرند که کدامین ارزش‌ها جهت را تعیین کنند و این واقعیتی است که در هر تحقیق و تفسیر و تجربه و تحلیل حتی در تحقیق و تفسیر مسائل مذهبی و عقیدتی وجود دارد. در این مورد هر چند متدلوژی مورد استفاده در تفسیر می‌تواند شکل اعتراضی به خود بگیرد و یا در دفاع و توجیه عمل کند، ولی آنچه جهت را مشخص می‌کند ارزش‌ها و تفسیر ارزش‌هاست که خود معلول جامعه، فرهنگ طبقات و امکانات

قرن‌هاست که ادیان یکی پس از دیگری تلاش کردند تا با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، تاریخی، جامعه و فرهنگ، امکانات و ارزش‌های و ادراک جامعه تکوین دهند که بشوآن با تلاش مردم در راه تحقق آرمان ساختن یک جامعه خوب انسانی، واقعیت را به چالش بکشند. آنچه ادیان را از هم متمایز می‌کند ساختار ارزش‌ها در مقابله با واقعیت است. ادیان ابراهیمی سامی، از موسی تا محمد (ص) حتی ادیان غیر ابراهیمی سامی مثل دین زرتشت جزء گروه ادیان پگانه‌پرست هستند که همیشه مخاطبان گروه و جامعه بوده و یا صدور دستورات لازم را در قالب ارزش‌ها برای به وجود آوردن یک جامعه خوب ارائه داده‌اند. در این راستا رابطه بین فرد و جامعه یک رابطه علت و معلولی است و هر دو در تغییرات اجتماعی هم علت‌اند و هم معلول. در این رابطه دیالکتیکی، همان‌طور که فرد تحت تأثیر جامعه شکل می‌گیرد، جامعه هم متأثر از رفتار و کردار افراد متطاف پذیر می‌شود. از دستورات دهگانه موسی که در حقیقت نهی از منکرات هستند و اصلاح یک جامعه نه چندان سالم را هدف قرار دادند، تا محبت عیسوی بدون نمونه در تاریخ دین یهود، تا حکم و شرع و فلسفه منظم و همه‌جانبه اسلام که به اقتضای زمان و فراتر از محدوده دین یهود و تداوم آن در مسیحیت جامعه ایده‌آلی را مراد دارد که هم فرد و هم جامعه موظفند در سوق دادن واقعیت به سوی ایده‌آل بکوشند. تاریخ ادیان بیانگر این حقیقت هستند که احکام و دستورات ادیان تاریخ اغلب اوقات و در ادوار مختلف مترادف با منافع و حقوق عده بخصوصی تلقی شده و آن عده بخصوصی در حفاظت و نگهداری منافع خودشان از هر وسیله‌ای استفاده کرده و بیشتر یک وجه و پوشش مشروع هم به

شماره ۱۳۸۸ دی و بهمن ۱۳۸۸  
۱۳۲

بودند. در همین دوره بویژه از ۱۴۵۰ تا ۱۶۵۰ دوران قدرت استبدادی است که دولت و کلیسا هم دست و سوار بر گرد هم هستند. اعتراض او مانعیم توانست تا به خلق یکدگر خورد با دنیا، زمین را برای رشد پروتستانسیم و رنالیسم آماده کند.

### زمینه پروتستان مسیحی

پس از پیدایش امپراتوری مسیحی در اوایل قرن چهارم میلادی، مسیحیت به عنوان یک مذهب رسمی دولتی با اتحاد استراتژیک کلیسا با ساختار سیاسی قادر به تسلط بر بیشتر نقاط دنیا و ملیت‌های مختلف شد. همان‌طور که تاریخ این اتحاد نشان می‌دهد توجه مذهبی غارت اموال مردم به‌طور مؤثر از طریق کلیسا صورت می‌گرفت و در رأس این مذهب نهادینه شده اقتدار پاپ محدود به مسائل مذهبی نبود، بلکه تا حد نصب و عزل امپراتور هم نقش مهمی داشت و نقش کلیسای حاکم و امپراتوری در پیاده کردن سیاست‌های استعماری همیشه توجیهی مذهبی داشت. امپراتوری مسیحی هم که بر بیشتر نقاط اروپا حاکم بود به مرور از نفوذش در بعضی مناطق کاسته شد و شروع انداختن یوغ امپراتوری مسیحی از مناطق شرقی این امپراتوری بود. از پنج کلیسایی که پایه‌های اصلی امپراتوری مسیحی بودند مانند کلیسای آنتیاک (سوریه)، کلیسای اسکندریه (مصر)، کلیسای اورشلیم (فلسطین)، کلیسای قسطنطنیه (آسیای صغیر) و کلیسای رم بودند. هر یک از این کلیساها ویژگی‌های منطقی‌ای - فرهنگی خود را داشت. در سال ۱۰۵۴ کلیسای ارتدوکس شرقی ادعای استقلال کرد و با نفوذ مسلمانان در منطقه، جنگ‌های صلیبی از اواخر قرن یازدهم (۱۰۷۱) تا اواخر قرن سیزدهم شروع شد و در اواسط قرن پانزدهم (۱۴۵۳) امپراتوری عثمانی که زیر بیرق اسلام خلیفه عمل می‌کرد، کلیساهای مناطق شرقی امپراتوری مسیحی را تحت کنترل در آورد، ولی رم به عنوان مرکز قدرت امپراتوری غربی باقی ماند. در اوایل قرن شانزدهم (۱۵۲۴) کشیشی در نظم آگوستینی در آلمان به نام مارتین لوتر و یک فرانسوی به نام جان کالون در سال ۱۵۴۳ در ژنو تلاش کردند تا از کلیسای رم جدا شوند و به گفته لوتر خلق آلمانی را از یوغ کلیسای کاتولیک رم نجات دهند. در سال ۱۵۳۶ کلیسای انگلستان توسط پادشاه وقت، هنری هشتم ابتدا در نامه‌ای با حمله به لوتر و ظاهراً در دفاع از کلیسای کاتولیک به دشمنی بین لوتر و کلیسای کاتولیک دامن زده و در آخرین مرحله این استراتژی، هنری هشتم کلیسای انگلستان را از رم جدا کرد. از تعام جنبش‌های ضد کلیسای

مذهبی مانند زوینگلی (Zwingli) و توماس مانتزر (Thomas Munzer) که رهبری سه ارتش از دهقانان را به عهده گرفته بود آنها را تشویق به مبارزه کرد و در سال ۱۵۲۸ توسط امپراتوری شکست خوردند و تعداد زیادی به‌طور وحشیانه کشته شدند، اما لوتر در جزوهای نه تنها از قیام دهقانان انتقاد کرد و آن را غیر خدایی دانست (در جزوهای که عنوانش نشان می‌دهد دهقانان را «گل‌های دره و جانی» خطاب کرد) از شاهزادگان محلی خواست تا برای نابودی جنبش‌ها قدم بردارند و خشونت شاهزادگان تا ظهور کالون ادامه داشت. کالون بویژه جنبش کالونیسیم برعکس لوتر و لوتران‌ها تلاش کرد تا با طرح ترقی اقتصادی، جدیدی در قالب مفروضات مذهبی نگرش جدیدی را پی‌ریزی کند. برعکس پاور قرون وسطایی که زهد مذهبی پر زهد اقتصادی از حیثیت داشت، لوتر معتقد بود که همه اعمال اعم از مذهبی و غیر مذهبی با هم مساویند. کالونیسیم که بعد از فوت کالون رشد کرد به پاور ماکس و بریه یک ایدئولوژی طرفدار سرمایه‌داری و انگوری رفتاری برای کارگران تبدیل شد. پرسش این بود که از چه طریقی شخص مسیحی می‌تواند مشیت الهی را در دستگیری و رفتن به بهشت به نفع خود عوض کند؟ تا ماکس و بریه که پروتستانسیم را یکی از دلایل (و نه تنها دلیل) او شد و توسعه سرمایه‌داری تلفی می‌کند در کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» (برای نخستین بار در سال ۱۹۰۴ چاپ شد و در سال ۱۹۳۰ ترجمه انگلیسی آن به چاپ رسید)، تلاش دارد تا رابطه بین اخلاق و ارزش‌های پروتستان و بویژه کالونیسیم و رشد تکامل سرمایه‌داری مدرن را نشان دهد. برداشت ویراز پروتستانسیم اواسط قرن شانزدهم این است که: «در این دوره تاریخی پول در آوردن و تأکید بر فعالیت اقتصادی با آنچه مذهب حاکم و کلیسای کاتولیک تکیه می‌کرد مطابق بود و طبقه تاجر و سرمایه‌دار در تعیین نرخ سود و کار و مزد محدود بودند که در نتیجه رشد اقتصادی بسیار محدودی را به وجود آورد. آنچه کالونیسیم انجام داد این بود که با تکیه بر خدایی بودن سودجویی، بیشترین محدودیت را از طبقه تولیدکننده و تاجر و مالک و سرمایه‌دار که در قالب سنتی حاکم از آن رنج می‌بردند از بین برد. کالونیسیم با تکیه بر روانشناسی فرد و عین کردن آن با تفسیر جدید از انجیل، علناً تکیه بر این که عنایت خداوند به‌طور رایگان برای بندگان وجود دارد و شخص با کار خوب و اخلاق خوب و حتی سرپیچی و عدم اطاعت نمی‌تواند در این پرونده تأثیری داشته باشد، چرا که همه چیز از

کاتولیک یا کلیسای امپراتوری رم غربی در ابتدا به نظر می‌آید که و هیران جنبش آلمان طبقه‌ای به غیر از منافع طبقه حاکم در نظر داشتند، ولی تاریخ این جنبش نشان می‌دهد که لوتر پیش از این که به عنوان یک وظیفه شرعی در دفاع از توده‌های محروم آلمان علیه اریستوکراسی پاپ و کلیسای کاتولیک رم بر خیزد، احساس ناسیونالیستی او همراه با تفسیر متفاوتی از انجیل و تکرار شعارهای ناسیونالیستی بویژه با ذکر سرازیر شدن سرمایه اقتصادی آلمان به رم به نفع منافع طبقاتی و وضع موجود در آلمان بود. در سال ۱۵۱۷ در نامه‌ای به اسقف آلبرشت علناً اعمال تنزل (Tetzel) نماینده پاپ در آلمان که مسئول گرفتن سهم پاپ بود را به گسنگ در توده‌های تشویه کرد. ناگفته نماند که ناسیونالیسم پروتستان‌های آلمانی دو وجه مشخص داشت، یکی ناسیونالیسم طبقه حاکم و دیگری ناسیونالیسم توده مردم و پایه هر دو، منافع اقتصادی بودند. مسائل مذهبی جزوها و سخنرانی‌های لوتر یکی بعد از دیگری با الحظی تند واقعیت امپریالیسم، کلیسای کاتولیک را برای مردم تشریح کرد. مردم عادی بسیار عصبانی در حمایت لوتر آمادگی خود را برای برانداختن یوغ امپریالیسم کلیسای رم اعلام کردند. لوتر در جزوه‌ای رم را «بزرگترین دزد روی زمین خطاب کرد و با تکرار این که آلمان توسط این کلیسا فریب خورده و آنچه لازم است این است که مردم بدانند ما (آلمانی‌ها) متولد شده‌ایم تا رهبر باشیم» تا بنده کلیسای رم و باید برتری خود را در کت کنیم و برای استقلال ملی و مذهبی تلاش کنیم. پیام لوتر مدام حاکمی از حمایت مردم آلمان برای به دست گرفتن زمام امور خود بود. در همین دوران جنبش‌های دهقانی آلمان علیه وضع موجود و نه علیه کلیسا صورت گرفت. این جنبش‌ها هدفشان اعتراض به وضع بد اقتصادی و نابودی آن بود که توسط طبقات حاکم آلمان به وجود آمده بود. در سال‌های ۱۵۱۱ تا ۱۵۱۳ این جنبش‌ها بیشتر محلی بودند و در سال ۱۵۲۵ همه گیسر و هیران

پس از پیدایش امپراتوری مسیحی در اوایل قرن چهارم میلادی، مسیحیت به عنوان یک مذهب رسمی - دولتی با اتحاد استراتژیک کلیسا با ساختار سیاسی قادر به تسلط بر بیشتر نقاط دنیا و ملیت‌های مختلف شد

تاریخ جهان  
دنی و پهن  
۱۳۸۸  
۱۳۳